

بررسی توسعه منطقه‌ای از دولت‌های سوم تا یازدهم (۱۳۶۰-۱۳۹۲) در ایران

عباس آزادی^۱

استادیار و مدرس گروه اقتصاد دانشگاه ایلام

سهراب دل انگیزان^۲

دانشیار و عضو هیئت علمی گروه اقتصاد

دانشگاه رازی کرمانشاه

علی فلاحتی^۳

دانشیار و عضو هیئت علمی گروه اقتصاد

دانشگاه رازی کرمانشاه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۷

پژوهش حاضر به دنبال بررسی سطح توسعه یافتگی مناطق ایران از دولت سوم تا دولت یازدهم است. در این راستا با استفاده از مدل تصمیم‌گیری چند شاخصه و نرم افزار تاپسیس پس از رتبه بندی استان‌ها نتایج حاکی از آن بود که حدود ۷۴ درصد استان‌ها محروم و ۲۴ درصد آن‌ها برخوردار هستند. بر اساس مدل خوشه‌ای، ۶ خوشه برای توسعه یافتگی مناطق شکل گرفت که استان تهران و ایلام به ترتیب در صدر و انتهای جدول توسعه یافتگی کشور قرار گرفته‌اند. شاخص توسعه از ماتریسی با ۲۱ شاخص و ۱۵۱ زیر شاخص تشکیل شده است. در پژوهش حاضر دو شاخص "کارایی بودجه در توسعه" و "مدل برنامه ریزی منطقه‌ای" معرفی شده که استان‌ها بر اساس قدرت و ضعف مدیریت کارآمد در منابع بودجه‌ای تفکیک شده‌اند. در ادامه و با کمک نرم افزار ایویوز و مدل پنل دیتا و تشکیل ۳ مدل مستقل رگرسیونی برای هشت دولت مستقل به این نتیجه رسیدیم که توسعه به عنوان متغیر وابسته از متغیرهای مستقل؛ هزینه جاری (حجم دولت)، هزینه عمرانی و بودجه کل، تاثیر پذیر است و بر این اساس افزایش حجم دولت

۱- نویسنده مسئول A.azadi@ilam.ac.ir

2- Delangizan@razi.ac.ir

3- A.falahati@razi.ac.ir

۱۲ برابر بودجه کل، بر توسعه تأثیر منفی داشته است و افزایش بودجه عمرانی مانند بودجه کل ولی ۱۰ برابر بیشتر از آن بر توسعه اثر مثبت داشته است.

واژگان کلیدی: توسعه، اقتصاد منطقه‌ای، توسعه منطقه‌ای، دولت، تمرکززدایی، تصمیم‌گیری چند شاخصه

طبقه بندی JEL: Q0 - R10 - R58 - R11 - R12

مقدمه

مناطق به عنوان سطوحی از فضای مدیریت و اجرای سیاست‌های توسعه‌ای همیشه از توجه خاصی در محافل علمی، اجرایی و سیاست‌گذاری برخوردار بوده است (Faraji rad, 2013, 28). یکی از عوامل مهم در توسعه کشورها، توسعه متوازن در مناطق و استان‌های آنهاست. توسعه خود مشمول قواعد همگنی می‌باشد که جهت و مسیر آنها برای مناطق باید همراستا باشد. توسعه منطقه‌ای از دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به عنوان هدف مهمی در کنار و هم سطح توسعه ملی در دولت‌های محلی و منطقه‌ای در دنیا مورد توجه قرار گرفته است (pike et al, 2006). توسعه فرایندی چند بعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در ساختارهای فرهنگی و اجتماعی از یک طرف و کاهش فقر و نابرابری‌های اجتماعی از سوی دیگر است (Zaiari et al, 2011, 1). رشد و توسعه مبتنی بر توزان منطقه‌ای در بلندمدت از کارایی بالایی در جهت اهداف اجتماعی برخوردار است و مانع بسیاری از عواقب مخرب اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در جامعه خواهد شد لذا بر همین اساس باید بتوان عدالت و توازن در توسعه منطقه‌ای را برقرار نمود. عدالت اجتماعی خود یکی از مؤلفه‌های مهم در جریان‌ات مهم جوامع قلمداد می‌شود و هر گاه در توزیع منابع با عدم توازن محسوسی رو برو شویم محکوم به تضادهای عدالت محور خواهیم بود. عدالت اجتماعی و توزیعی تأکید بر توزیع عادلانه امکانات و منابع میان افرادی دارد که دارای حقوقی مساوی و برابر هستند (Wilkinson, 2006: 23). با توجه ویژه در خصوص توزیع منابع مادی و معنوی و برقراری عدالت اجتماعی در اهداف توسعه، می‌توان شاهد افزایش کارایی بود (Sarrafi, 2000). لذا می‌توان اصل برابری را به عنوان بستری برای توزیع متوازن منابع و به تبع آن توسعه متوازن منطقه‌ای قلمداد نمود.

نابرابری‌های منطقه‌ای از چند بعد قابل بررسی است که یکی از مهمترین آنها از بعد طبیعی و

برخوردراری از منابع زیر زمینی و اکوتوریستی می‌باشد. علاوه بر آن نابرابری در تخصیص منابع مادی از سوی دولت‌ها در بین مناطق ضمن به حاشیه بردن عدالت توزیعی، مشکلات اجتماعی و اقتصادی زیادی به بار می‌آورد که خود منشأ ناهنجارهای دیگری در جامعه است. از جمله ناهنجارهایی که می‌تواند بخاطر عدم توسعه متوازن شکل گیرد شامل: "پدید آمدن و افزایش فقر، بیکاری، نارسایی‌های زیر بنایی، و خدمات رسانی، تهدید محیط زیست، تحرکات غلط جمعیتی" می‌باشد (رفعیان، ۱۳۹۱: ۲). به عبارت دیگر تخصیص اعتبارات و منابع به مناطق خاص، و محروم گذاشتن سایر مناطق از موجبات نابرابری‌های منطقه‌ای خواهد بود (Todes, 2001: 58). در دنیای امروزی نابرابری‌ها به صورت گسترده در حوزه اقتصادی و اجتماعی قابل مشاهده است (Lees, 2010: 1). برای توسعه مناطق به صورت همگون ابتدا باید نابرابری‌های موجود را شناخت و سپس با مشخص کردن پتانسیل‌های رشد و توسعه خاص هر منطقه بر اساس آمایش منطقه‌ای و استانی برنامه‌ریزی نمود (azadi, 2018, 16). لذا شناسایی رتبه و جایگاه مناطق از نظر توسعه اولین گام در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای می‌باشد (parizadi, 2018, 181).

روند رو به رشد توسعه به صورت عام و توسعه منطقه‌ای بطور خاص از اهداف اولیه همه اقتصادهای کشورهای دنیا است و پژوهش‌های فراوانی در این خصوص شکل گرفته است اما گاهی روش‌ها، مدل و شاخص‌های یک پژوهش تفاوت‌های معناداری را در بین مطالعات بوجود می‌آورد و زمانی می‌توان احاطه بیشتر یک پژوهش بر موضوع را متوجه شد که قابلیت تکرار پذیری آن، نتایج مشابه را بدست دهد (hafeznia, 2002, 21) که در پژوهش حاضر با استفاده حداکثری از شاخص‌های منتشر شده توسط مرکز آمار، نتایج معناداری برای متغیرهای پژوهش و تفاوت در توسعه منطقه‌ای بدست آمده است.

"توسعه منطقه‌ای"^۱ خود مقوله‌ای با پیشینه کمتری نسبت به "توسعه"^۲ است که در سال ۱۹۵۰ بصورت فراگیری در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی در خصوص مناطق مطرح شد. لذا در ادامه ضمن بررسی ضرورت عدالت اجتماعی در برابری مناطق کشور، با بررسی ابعاد توسعه، شکاف توسعه منطقه‌ای در بین استان‌های ایران برای دوره زمانی دولت سوم تا یازدهم مورد بررسی قرار خواهد

1- Development area

2- Development

گرفت که در این مسیر با اتکا به مدل‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه و مدل تاپسیس و عاریه گرفتن از مدل رگرسیون پنل دیتا روابط بین عوامل مؤثر بر توسعه و معناداری آنها را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

سؤال اصلی که این پژوهش در صدد پاسخ آن می‌باشد، این است که استان‌های ایران در طی سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۲ از نظر توسعه در چه جایگاهی می‌باشند؟

با توجه به اینکه از اهداف و اهمیت اصلی پژوهش حاضر ضمن رتبه‌بندی استان‌ها از توسعه یافتگی و تخصیص بودجه در دولت‌های سوم تا یازدهم می‌باشد، بدنبال سنجش و تفکیک سه بودجه؛ کل، عمرانی، جاری (حجم دولت) در توسعه مناطق خواهیم بود لذا در جهت سیاستگذاری در راستای توازن منطقه‌ای تأثیر هر کدام در قالب مدل‌های رگرسیونی بدست خواهد آمد و علاوه بر آن مشخص خواهد شد که کدام استان‌ها توانسته‌اند با توجه به سهم نسبی بودجه از توسعه بیشتری برخوردار باشد (کارایی بودجه در توسعه) که باز در جهت تنظیم توسعه متوازن در مناطق، با تعدیل بودجه‌های تخصیصی استان‌ها می‌توان به این مهم دست پیدا کرد و از دیگر عوامل مورد بررسی در پژوهش حاضر معرفی مدل برنامه ریزی منطقه‌ای و نقش مدیریت کارآمد در توسعه منطقه‌ای می‌باشد که برای استان‌های توسعه یافته و توسعه نیافته مدیریت کارآمد در جهت مصرف بودجه‌های تخصیصی از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد.

هرچند در گذشته درباره توسعه و یا عدم توازن منطقه‌ای پژوهش‌هایی در ایران و سایر کشورها انجام گرفته است ولی نوآوری پژوهش حاضر در استفاده از شاخص‌های توسعه‌ای در کشور و تعداد دوره‌های مورد پژوهش است که تقریباً در این پژوهش از شاخص‌ها استفاده حداکثری شده و علاوه بر آن برای تمام دولت‌هایی که آمار آنها در دسترس بود رتبه‌بندی‌های توسعه‌ای برای مناطق انجام شده است.

پیشینه پژوهش:

الف) مطالعات داخلی:

پریزادی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله تحت عنوان "توسعه منطقه‌ای در ایران با رویکرد عدالت توزیعی" استان‌های کشور را با استفاده از ۳۳ شاخص در ۴ سطح (اقتصادی، زیربنایی-کالبدی، اجتماعی-فرهنگی و بهداشتی-درمانی) از منظر توسعه یافتگی برای سال ۱۳۹۰ تقسیم‌بندی

نمودند. تکنیک‌های مورد استفاده در این پژوهش، تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای و استفاده از نرم افزار SPSS بوده است که نتایج نشان دهنده تفاوت معنادار در سطح توسعه یافتگی مناطق بوده است که تهران در اولویت اول و سیستان و بلوچستان در رده آخر توسعه یافتگی کشور قرار گرفتند.

فرجی راد و همکاران (arizadi & Mirzadeh, 2018) در مقاله خود با عنوان "آسیب شناسی سیاست‌های توسعه منطقه‌ای در ایران از دیدگاه رویکرد نهادی" در پی پاسخ به این سؤال بودند که: علت تداوم نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران با توجه به رویکرد نهادی چه بوده است؟ که با استفاده از روش‌های کیفی و مطالعات اسنادی نتایج متفاوتی از نابرابری‌های توسعه منطقه‌ای بدست آوردند. وجود ساختارهای متمرکز تصمیم‌گیری و اجرایی، ارتقا یادگیری، بی توجهی به روش‌های نوین توسعه منطقه‌ای همچون توسعه دانش، فراهم نشدن بسترهای مناسب برای حکمروایی منطقه‌ای و در نهایت توسعه اقتصاد اجتماعی و کارآفرینی در سطح محلی، از دلایل شکست سیاست‌های توسعه منطقه‌ای از رویکرد نهادی بوده است.

ضرابی و ایزدی (zarabi & izadi, 2013) در پژوهشی با عنوان "تحلیلی بر توسعه منطقه‌ای استان‌های کشور" با استفاده از مدل‌های کمی تحلیل عاملی، تکنیک VIKOR و رگرسیون چند متغیره و با بهره‌گیری از ۲۲ شاخص، استان‌های کشور را از نظر برخورداری رتبه بندی کردند. که ۵ شاخص کلی آن "خدمات درمانی-آموزش"، "جمعیتی"، "خدمات فرهنگی-رفاهی"، "اقتصادی" و "خدمات روستایی" بود. خروجی محاسبات بعمل آمده در تحقیق انجام گرفته، رتبه اول و آخر را به استان‌های تهران و قم اختصاص داد.

میرشجاعیان حسینی و رهبر (Mirshojaeeianhosseini & Rahbar, 2012) پژوهشی با عنوان "تحلیل کمی الگوی اقتصاد سیاسی تخصیص بودجه‌های استانی در ایران" و با هدف جستجوی متغیرهای کمی اقتصادی و سیاسی انجام دادند تا بتوانند تخصیص بودجه‌های عمرانی و کل را برای دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۶ در دو دسته متغیرهای برنامه‌ای (اقتصادی) و تاکتیکی (سیاسی) بررسی نمایند. نتایج تحقیق آن‌ها حاکی از آن بود که رفتار بودجه ریزی برای استان‌های کشور کارایی محور می‌باشد و نه برابری محور و علاوه بر آن متغیرهای "سرمایه اولیه استانی" و "تراکم جمعیت" با میزان بودجه‌های سرانه تخصیص یافته رابطه منفی دارند. از دیگر نتایج این تحقیق که می‌توان آن را مربوط به عوامل سیاسی دانست اختصاص بودجه بیشتر توسط دولت برای

استان‌هایی است که مشارکت سیاسی رأی دهندگان در انتخابات ریاست جمهوری در آن‌ها پایین است و رأی دهندگان یا برای رأی دادن مردد هستند و یا رأی آن دارای نوسان است.

توکلی نیا و شالی (Tavakolinia & shali, 2012) در مقاله "نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران" جهت ارزیابی توسعه منطقه‌ای و نابرابری‌ها در سطح سرزمین، ۶۰ شاخص فرهنگی-اجتماعی، صنعتی، اقتصادی-جمعیتی، کالبدی-زیربنایی و بهداشتی-درمانی را با روش‌های تحلیل عاملی و تاکسونومی و سپس تحلیل خوشه‌ای مورد استفاده قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که در سال ۱۳۸۵ از ۳۰ استان کشور؛ یک استان توسعه یافته، ۴ استان نسبتاً توسعه یافته، ۷ استان میانی، ۱۹ استان توسعه نیافته و یک استان محروم بوده است که در این تحلیل تهران و سیستان و بلوچستان به ترتیب در رتبه‌های اول و آخر قرار گرفتند.

عبدالله زاده و شریف زاد (Abdolazade & sharifzad, 2012) در مقاله "سطح بندی توسعه منطقه‌ای در ایران" با هدف تعیین سطوح توسعه فضایی و شناسایی ماهیت الگوهای آمیختگی ضمن ساخت شاخص ترکیبی، استان‌های کشور را رتبه بندی کرده‌اند. در این مقاله ۴۱ شاخص در گروه‌های اجتماعی، جمعیتی، فرهنگی، اقتصادی و زیرساختی و خدماتی مورد استفاده قرار گرفتند که با استفاده از تکنیک‌های سیستم اطلاعات جغرافیایی و در سه سطح توسعه یافتگی بالا، متوسط و پایین، استان تهران در اول و سیستان و بلوچستان در آخر این رتبه بندی جای گرفتند.

ابراهیم زاده و اسکندری ثانی (Ebrahimzadeh & Eskandarisani, 2010) در مقاله خود تحت عنوان "کاربرد تحلیل عاملی در تبیین الگوی فضایی توسعه و توسعه نیافتگی شهری-منطقه‌ای در ایران" با استفاده از روش تحلیل عاملی بر اساس تقسیمات اداری-سیاسی در سال ۱۳۸۵ شهرستان‌های کشور را در ۴ گروه تقسیم کرده که ۳۲ شهرستان توسعه یافته، ۷۶ شهرستان نیمه توسعه یافته رو به بالا، ۱۲۶ شهرستان کمتر توسعه یافته رو به پایین و ۱۰۶ شهرستان محروم بوده‌اند.

اسکندری و حسینی (eskandari & hoseini, 2010) در مقاله خود تحت عنوان "چارچوبی برای تحلیل و تلفیق شاخص‌های منطقه‌ای" با ایجاد ۱۸ شاخص و با استفاده از روش تحلیل عاملی استان‌های کشور را رتبه بندی کردند. نتیجه پژوهش منجر به رتبه اول برای تهران و رتبه آخر برای سیستان و بلوچستان شد.

ب) مطالعات خارجی:

رسند (Resende, 2012) در رساله دکتری با عنوان "توسعه اقتصاد منطقه‌ای در برزیل" وضعیت توسعه یافتگی مناطق را بررسی می‌کند که در مقیاس‌های فضایی؛ سرمایه‌های آموزشی و بهداشتی و زیرساخت‌های محلی بهتر توانستند رشد بالاتر اقتصادی را توضیح دهند. همچنین تأثیرات میکرو و کلان سیاست‌های توسعه منطقه‌ای برای اندازه‌گیری وام‌های صنعتی بر رشد اشتغال و بهره‌وری کار و میزان رشد تولید ناخالص داخلی سرانه در سطح کلان برای دوره ۲۰۰۰-۲۰۰۳ و ۲۰۰۰-۲۰۰۶ بررسی شد که وام‌های صنعتی در سطح میکرو تأثیرات مثبتی بر اشتغال را نشان دادند اما تأثیر قابل توجهی بر رشد تولید ناخالص داخلی سرانه در سطح کلان نداشتند.

سوارس لورنزو و فریرا مونتیرو (Soares, Lourenco & Ferreira Monteiro, 2013) تحقیقی با عنوان "کشف نابرابری‌های منطقه با استفاده از روش چند متغیره: کمک به بهبود اتحادیه اروپا و تصمیمات دولتی" در کشور بلژیک انجام داده‌اند که با استفاده از ۳۳ شاخص اقتصادی، آموزشی، بهداشتی، فرهنگی، ... و تکنیک آماری تحلیل عاملی چند متغیره، مناطق را رتبه بندی کردند و برای تشخیص و ارزیابی داده‌ها از آزمون‌های: Kaiser, Bartlett استفاده نمودند و برای انتخاب عامل‌های مستخرج شده از آزمون‌های معیار درصد واریانس و مقدار ویژه و معیار درصد واریانس، استفاده شد.

نور بخش (Norbakhsh, 2003) در راستای بررسی میزان توسعه یافتگی و رتبه بندی ایالت‌های هند پژوهشی با عنوان "توسعه انسانی و نابرابری‌های منطقه‌ای در هند" انجام داد. در این پژوهش که با استفاده از روش تحلیل عاملی و شاخص ترکیبی از شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی تهیه گردید، پس از وزن دهی و درجه اهمیت شاخص‌ها با استفاده از روش تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های اصلی، ضریب نابرابری و تلفیقی، با تحلیل رگرسیون ما بین سه شاخص استخراج شده و همچنین شاخص توسعه انسانی، نتایج آزمون شده و رتبه بندی برای ایالات این کشور انجام گرفت.

ادبیات نظری

با توجه به این که موضوع اصلی پژوهش حاضر بررسی سطح توسعه یافتگی مناطق در ایران از دولت سوم تا دولت یازدهم است لذا برای حمایت نظری از آن از مدل‌های رشد منطقه‌ای در سطوح مختلف استفاده می‌کنیم.

توسعه اقتصادی اصطلاحی است که اقتصاد دانان، سیاستمداران و ... اغلب در قرن بیستم بکار برده‌اند. اگر چه این مفهوم در غرب در قرون پیش از آن نیز وجود داشته است. بحث توسعه‌گرایی^۱ و دولت‌های توسعه‌گرا^۲ در دهه ۱۹۵۰ مورد توجه قرار گرفت (Mosalanezhad, 2015). البته قبل از تفهیم واژه توسعه، واژه " رشد " مصطلح بود و امروزه مدرنیزاسیون^۳، غربی شدن^۴، و به خصوص صنعتی شدن^۵ اصطلاحات دیگری هستند که وقتی مردم درباره توسعه اقتصادی صحبت می‌کنند، از آنها استفاده می‌نمایند. با وجود این که اجماع نظری درباره ریشه‌های این مفهوم وجود ندارد، ولی بیشتر افراد با این نکته موافقت می‌کنند که توسعه به طور تنگاتنگی با تکامل سرمایه داری و فروپاشی فئودالیسم مرتبط است. (conteras,2004:28)

امروزه دستیابی به رشد اقتصادی به یک مطالبه ملی تبدیل شده است، در حالی که برخی پژوهشگران معتقدند که رشد اقتصادی لزوماً توأم با عدالت نیست، برخی دیگر معتقدند که حل مسائلی نظیر عدالت اجتماعی در گرو رشد اقتصادی است (Nili, 2007). در جامعه جهانی عدالت بعنوان مهم‌ترین عامل مؤثر در توسعه جای خود را در دهه ۷۰ میلادی باز کرده است به این معنا که همه ارزش‌های اجتماعی، آزادی، فرصت درآمد، ثروت و مبانی عزت نفس باید به طور برابر توزیع شوند. اگر چه توزیع نابرابر هریک از این ارزش‌ها یا همه آنها به نفع همه باشد (Rawls,1971:62). لذا بر این اساس با مطرح شدن توزیع برابر امکانات در مناطق، نقش دولت‌ها و نگاه عدالت محور آنها از اهمیت بیشتری برخوردار شد. در کل هدف اصلی راهبرد توزیع مجدد منابع اقتصادی را باید فعال سازی نهادهای دولتی و همچنین بهبود توزیع درآمد و ثروت از طریق مداخله مستقیم دولت دانست (World Trade Organization, 2008:35). هر چند تعریف عملیاتی مناطق و سهم بری آنها با توجه به شاخص‌های خاص خود می‌تواند تا حدودی توزیع را نامتوازن کند، لذا از این رو، کاربردها و مقیاس توسعه منطقه‌ای ممکن است بنا بر تعریف یک منطقه و چگونگی درک منطقه و مرزهای آن به طور داخلی و خارجی، متنوع باشد (albro, 2001). (, 75)

- 1- Developmentalism
- 2- Developmental states
- 3- modernization
- 4- westernization
- 5- Industrialization

تئوری‌های توسعه منطقه‌ای عمدتاً ریشه در سه ساختار علمی دارند: ۱- علوم منطقه‌ای^۱ - ۲- اقتصاد منطقه‌ای^۲ - ۳- جغرافیای تئوریک^۳. این شاخه‌ها اولین بار در امریکای شمالی و بریتانیا و در اواخر دهه ۵۰ به منصفه ظهور رسیدند. در آن زمان این سه حوزه از علوم جزء علوم اجتماعی بودند و برای شناخت مشکلات منطقه به روش‌های آماری و ریاضی تأکید داشتند (Kalantari, 2013, 17) و بصورت فراگیرتری سیاست‌های توسعه منطقه‌ای، در ۱۹۶۰ مورد توجه قرار گرفتند. این توجه از یک طرف برای مقابله با اثرات سیاست جایگزینی واردات که منجر به تمرکز فضایی توسعه در مراکز عمده شده بود بکار گرفته شد و از طرف دیگر از این سیاست‌ها به منظور توسعه مناطق حاشیه‌ای برای توانمند کردن اقتصاد آنها و کمک به رشد اقتصاد ملی سود بردند (Stohr, 1975, 96). در یک نگاه کلی می‌توان اظهار داشت که تجارب توسعه منطقه‌ای بصورت علمی به ابتدای دهه ۲۰ میلادی می‌رسد (مطالعات منطقه‌ای؛ ۱۹۹۴، ۸). و پدر این شاخه از علم توسعه که به علوم منطقه‌ای می‌شناسیم، "والتر ایزارد"^۴ می‌باشد.

در بحث توسعه و رشد منطقه‌ای پژوهش‌ها و مدل‌های مختلفی در ادوار مختلف توسط مکاتب اقتصادی شکل گرفته است که هر یک مفاهیم متفاوتی را برای توسعه و رشد اقتصادی معرفی کرده‌اند، بطور کلی مدل‌های رشد در چند طبقه متفاوت جای می‌گیرند:

الف) مدل‌های تقاضا: این مدل‌ها طرف تقاضا را به عنوان محرکه رشد مناطق در نظر می‌گیرند. این گروه خود شامل مدل‌های زیر می‌باشد: رشد بر پایه صادرات - مدل کینزین‌ها - مدل داده و ستاده - مدل هارود و دومار^۵

ب) مدل‌های عرضه: این مدل‌ها طرف عرضه را به عنوان عامل رشد مناطق قلمداد می‌کنند و بصورت عمده دو نوع مدل برای طرف عرضه و رشد منطقه‌ای وجود دارد: مدل یک بخشی نئو کلاسیک ها و مدل دو بخشی نئو کلاسیک ها

- 1- Regional science
- 2- Regional economics
- 3- Theoretical geograpy
- 4- Walter isard
- 5- Harrod & dummar

پ) جریان‌های علیت تجمعی^۱: گروه جدیدی نیز جریان‌های علیت تجمعی را عامل مؤثر بر رشد اقتصاد در مناطق می‌دانند. به این معنا که با شوک‌های خارجی ارتباطات درونی افزایش یافته و جریان رشد داخلی تشدید می‌شود که ابتدا توسط میردال^۲ مطرح و سپس توسط کالدور^۳ و دیکسون و تیروال^۴ بسط داده شد. (Sabaghkermani, 2013: 217).

ت) مدل قطب رشد: الگوی قطب رشد توسط پرو^۵ در سال ۱۹۵۵ مطرح شد و بعدها توسط هریشمن^۶ و هانسن^۷ مورد بررسی قرار گرفت که این مدل با جزئیات بیشتری نسبت به مدل‌های قبل در مورد رشد نامتوازن حرف می‌زند. این مدل توسعه را در تمرکز بر صنایع پیشرو معرفی می‌کند. ث) مدل موج‌های توسعه: این مدل توسعه را در روند زمان نمی‌داند و فن آوری و ابداعات را عاملی همچون سوار بر موج برای توسعه متصور می‌شود. این مدل اولین بار توسط رن روجین^۸ در زمان نابرابری‌های منطقه‌ای در اواخر ۱۹۷۰ ارائه گردید.

ج) مدل ماشین رشد: مدل ماشین رشد سیاسیون و کارآفرینان و تبانی آنها را به عنوان عامل مهم توسعه شهری بر می‌شمارد. در مدل ماشین رشد، یک عامل بعنوان عامل اصلی و تأثیر گذار تری در توسعه مناطق مورد توجه قرار می‌گیرد که نقش آن در توسعه مکان مورد نظر، بیشتر به چشم می‌خورد. در سال ۱۹۸۷ جان لوگان و هاروی ملوچ عوامل توسعه شهری را در ترکیب سیاستمداران و کارآفرینان شهری می‌دیدند و اینها را بعنوان "ماشین رشد" در توسعه اقتصادی معرفی کردند (Logan and Molotch, 1987: 63 & 33).

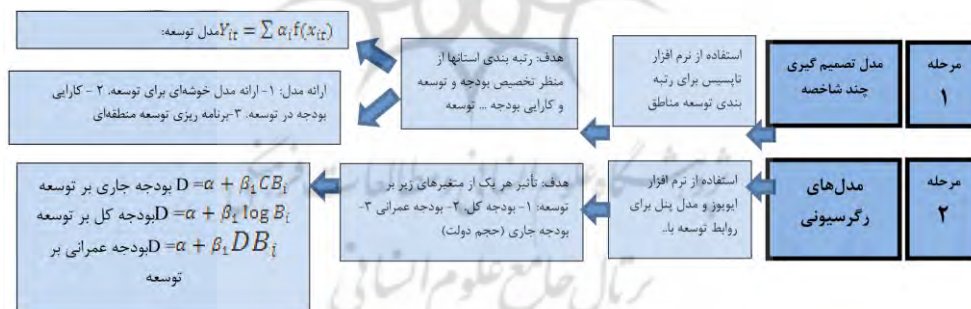
در مدل‌های رشد فوق، مدل رشد هریشمن و هانسن به صورت تخصصی‌تر بر رشد مناطق تمرکز داشته است لذا پژوهش حاضر از این حیث شباهت بیشتری با این مدل‌ها دارد.

- 1- Cumulative causation
- 2- Mirdal
- 3- Kaldor
- 4- Dixon and Thirwall
- 5- Perroux
- 6- Hirschman
- 7- Hansen
- 8- Ren Rvjyn

روش تحقیق

پژوهش حاضر در دو مرحله انجام شده است که در مرحله اول؛ داده‌های موجود متغیرهای مورد بررسی در سالنامه آماری گردآوری شد. پس از مرتب سازی و دسته بندی داده‌ها برای مشخص شدن توازن منطقه‌ای، بطور کلی ۲۱ شاخص و ۱۵۱ زیر شاخص شکل گرفت که پس از تشکیل ماتریس استان‌ها و سپس کل کشور یک ماتریس ۳۱×۲۱ بدست آمد که در ادامه با وزن دهی به هر یک از شاخص‌ها طبق نظر خبرگان و فن دلفی، در محیط نرم افزار تاپسیس، رتبه بندی از سطح توسعه یافتگی استان‌های کشور بدست آمد. برای تکمیل این قسمت با استفاده از مدل خوشه‌ای، بر اساس میزان برخورداری و محرومیت استان‌ها در ۶ گروه مختلف طبقه بندی شدند. همچنین در این مرحله رتبه بندی از تخصیص بودجه در دوره زمانی مورد بررسی برای استان‌ها نیز بدست آمد و بر اساس جایگاه توسعه و بودجه استانها و با توجه به شاخص کارایی بودجه در توسعه، استان‌های کارا از این حیث نیز مشخص شدند. علاوه بر این طبق مدل " برنامه ریزی توسعه منطقه‌ای" استان‌ها از نظر تشنگی در بودجه و مدیریت کارآمد و یا سوء مدیریت و اشباع بودن بودجه، در دو سطح استانهای توسعه یافته و محروم تفکیک شدند.

در مرحله دوم؛ با توجه به وجود ۳ متغیر (بودجه کل، بودجه عمرانی، بودجه جاری (حجم دولت)) که داده‌های آنها برای استانها از سالنامه مرکز آمار، استخراج گردید ۳ مدل رگرسیونی ساده تشکیل شد که به کمک نرم افزار ایویوز در قالب مدل پنل دیتا، برای هر یک از متغیرهای ذکر شده نسبت به توسعه ضریبی بدست آمد که تأثیر هر یک از متغیرها نسبت به توسعه بر اساس آن سنجیده شد.



پژوهش پیش رو ضمن بهره گیری از مدل‌های رتبه بندی (نرم افزار تاپسیس) از مدل‌های

رگرسیون و نرم افزار ایویوز ۸ بهره جسته است، که طبق مدل مفهومی زیر مسیر کار چنین خواهد بود:

مرحله اول:

زمانی که در تصمیم‌گیری‌ها بیش از یک معیار (DM) مد نظر باشد، تصمیم‌گیری‌های چند معیاره (MCDM) مطرح می‌شود که به دو قسمت^۱ تصمیم‌گیری‌های چند هدفه (MODM)^۲ و تصمیم‌گیری‌های چند شاخصه (MADM)^۳ تقسیم می‌شود. که در بین آنها از مدل و نرم افزار تاپسیس استفاده می‌شود. این روش‌ها، از طریق شفاف، منطقی و کارا نمودن فرایند تصمیم‌گیری، کیفیت تصمیم‌ها و ارزیابی‌ها را بهبود می‌بخشند (Wang and Triantaphyllou, 2008, 45).

مدل جبری توسعه:

$$Y_{1n} = \alpha_1 X_{1,1} + \alpha_2 X_{1,2} + \dots + \alpha_n X_{1n} \quad (1)$$

متغیر Y_{it} به عنوان متغیر وابسته تحت تأثیر متغیرهای مستقل x_{it} قرار می‌گیرد و α وزن هر شاخص را مشخص خواهد کرد.

توسعه منطقه‌ای = سرزمین و آب و هوا (۱) + شاخص جمعیت (۳) + نیروی انسانی (۲۹) + کشاورزی و جنگلداری و شیلات (۴) + معدن (۳) + نفت و گاز (۸) + صنعت (۶) + آب و برق (۶) + ساختمان و مسکن (۲) + بازرگانی و هتلداری و رستوران (۶) + حمل و نقل و ارتباطات و انبارداری (۸) + بازارهای مالی (۲) - امور قضایی (۳) + بهزیستی و تأمین اجتماعی (۱۱) + آموزش (۱۴) + بهداشت و درمان (۸) + فرهنگ و ورزش و گردشگری (۱۳) + عمران شهری (۱۲) + هزینه و درآمد خانوار (۴) - شاخص قیمت (۴) + حساب‌های استان (۳)

متد تاپسیس^۵:

در این روش پس از تشکیل ماتریسی با n گزینه و m شاخص می‌توان در مورد رتبه بندی و انتخاب بهترین گزینه قضاوت کرد. با فرض افزایشی بودن هر یک از شاخص‌ها، اساس این روش

- 1- decision maker
- 2- multiple criteria decision making
- 3- multiple objective decision making
- 4- multiple attribute decision making
- 5- topsis

بر مبنای انتخاب گزینه با فرض بیشترین فاصله از راه‌حل ایدآل منفی و کمترین فاصله با راه‌حل ایدآل مثبت است که راه‌حل ایدآل منفی (A^-) و راه‌حل ایدآل مثبت (A^+) می‌باشند.

جدول ۱- شاخص‌ها و زیر شاخص‌های مورد استفاده از در مدل‌های رگرسیونی

زیر شاخص	شاخص	
	تعداد زیر شاخص	نام شاخص
مساحت	۱	سرزمین و آب و هوا
جمعیت- متوسط رشد سالانه- خانوارهای معمولی بر حسب افراد (۴ نفر)	۳	شاخص جمعیت
نرخ مشارکت- نرخ بیکاری- نرخ بیکاری جوانان- با سواد- بی سواد- تعداد کارکنان دولت بر حسب مدرک- متقاضیان کار بر حسب سواد- توزیع نسبی شاغلان بخش‌های: کشاورزی، شکار، جنگلداری- معدن- صنعت- تأمین آب و برق و گاز- ساختمان- عمده فروشی- حمل و نقل و ارتباطات- واسطه‌گری مالی- مستغلات و اجاره- اداره امور اداری- آموزش- بهداشت و مددکاری عمومی- سایر فعالیت‌های خدمات عمومی - فعالیت خانوار به عنوان کارفرما- هنر و سرگرمی- فعالیت‌های اداری و خدمات پشتیبانی- فعالیت‌های حرفه‌ای، علمی و فنی- خانوارهای معمولی دارای مستخدم- سازمان‌ها و هیأت‌های برون مرزی- دفتر و ادارات مرکزی- فعالیت‌های اظهار نشده	۲۹	نیروی انسانی
مساحت اراضی کشاورزی...- سطح کاشت و مقدار تولید عملکرد در هر هکتار گندم ... - سطح کاشت و مقدار تولید عملکرد در هر هکتار جو... - مرغداری پرورش دهنده مرغ تخمگذار: تعداد مرغداری- تعداد سالن- ظرفیت - مشخصات عمومی شرکت‌های تعاونی کشاورزی فعال تحت پوشش اداره تعاون و کار ...: تعداد- شاغلان- مساحت جنگل کاری - مقدار صید و تولید آبزیان- پرورش ماهی	۱۱	کشاورزی و جنگلداری و شیلات
تعداد معادن - تعداد شاغلان معدن در حال بهره برداری - ارزش سرمایه گذاری معادن در حال بهره برداری	۳	معدن
تعداد مخازن و جایگاه‌های فروش مواد سوختی در استان؛ تعداد- ظرفیت- تعداد جایگاه - تعداد پمپ- تعداد شعب فروش نفت - تعداد شهرها و روستاهای گاز رسانی شده؛ شهرهای گاز رسانی شده- روستاهای گاز رسانی شده- تعداد انشعاب (مجموع)	۸	نفت و گاز
تعداد پروانه‌های صادر شده توسط اداره صنعت و... میزان اشتغال واحدهای صنعتی بر اساس پروانه‌های ...- تعداد کارگاه‌های صنعتی دارای ده نفر کارکن و بیشتر بر حسب مدیریت شهرستان؛ (کل- بخش عمومی - بخش خصوصی)- ارزش افزوده فعالیت صنعتی کارگاه‌های صنعتی دارای ده نفر کارکن و بیشتر استان برحسب نوع فعالیت و طبقات کارکن	۶	صنعت

طول شبکه جمع آوری و تعداد انشعاب فاضلاب در نقاط شهری؛ (طول شبکه جمع آوری با قطر ۲۰۰ mm و بیشتر بر حسب کیلومتر- تعداد انشعاب) - ظرفیت نامی و تولید برق مولدهای نصب شده در محدوده استان- تولید برق و سوخت مصرفی و نیروگاه‌های حرارتی در محدوده استان (تولید خالص برق- گازوئیل- نفت سوخت گاز طبیعی) - طول انواع خطوط انتقال برق	۶	آب و برق
پروانه‌های ساختمانی صادر شده برای احداث ساختمان برحسب نوع مصالح عمده در نقاط شهری استان- واحدهای مسکونی معمولی برحسب امکانات و تسهیلات موجود و تعداد اتاق در استان (کل واحد مسکونی)	۲	ساختمان و مسکن
مقدار صادرات- ارزش صادرات- تعداد هتل - تعداد اقامتگاه- تعداد تخت اقامتگاه- تعداد تخت مسافر خانه	۶	بازرگانی و هتلداری و رستوران
انبار معمولی یا سر باز- تعداد واحدهای پستی- تلفن‌های ثابت منصوبه و مشغول به کار و تعداد مشترکین تلفن همراه در استان (تلفن منصوبه- تلفن همراه)- تلفن‌های همگانی مشغول به کار و نقاط روستایی دارای ارتباط تلفنی در استان (تلفن همگانی- تلفن روستایی)- تعداد ایستگاهها و فرستنده‌های اصلی رادیویی موج متوسط، تلویزیونی نصب شده (رادیو تلویزیون)	۸	حمل و نقل و ارتباطات و انبارداری
تعداد و مبلغ تسهیلات پرداختی بانکهای استان به بخش غیردولتی برحسب بخشهای عمده اقتصادی (تعداد- مبلغ)	۲	بازارهای مالی
*تعداد سرقت‌های عادی صورت گرفته در استان بر حسب نوع (از اماکن و سایر- وسیله نقلیه و لوازم- احشام)	۳	امور قضایی
تعداد واحدهای ارائه دهنده خدمات اجتماعی اداره کل بهزیستی استان (نگهداری کودکان بی سرپرست- خدمات مهد کودک)- واحدهای ارائه دهنده خدمات پیشگیری اداره کل بهزیستی استان و مددجویان استفاده کننده از خدمات آنها- واحدهای ارائه دهنده خدمات کارآموزی و بازپروری اجتماعی اداره کل بهزیستی و مددجویان (تعداد واحد شبانه روزی- تعداد واحد روزانه- تعداد واحدهای مشاوره پزشکی ژنتیک- تعداد بازتوانی معنادی)- استفاده کنندگان از خدمات درمانی، آموزشی و فرهنگی کمیته امداد امام خمینی (ره) استان، وام‌ها و مبلغ (تعداد خدمات درمانی و امور بیمه دائمی- تعداد محصلان استفاده کننده خدمات آموزشی و فرهنگی- مبلغ اعطای وام خود کفایی- مبلغ وام اعطایی قرض الحسنه)	۱۱	بهزیستی و تأمین اجتماعی
با سوادان جمعیت ۶ ساله و بیشتر زن و مرد- تعداد آموزشگاه مدارس غیردولتی استان بر حسب دوره تحصیلی (ابتدایی- راهنمایی- متوسطه- کاردانی- کارشناسی- کارشناسی ارشد- دکتری حرفه‌ای)- تعداد دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی استان به تفکیک نام واحد، گروه تحصیلی، دوره تحصیلی (کاردانی- کارشناسی- کارشناسی ارشد- دکتری حرفه‌ای)- مربیان) رسمی و پیمانی (و مراکز ثابت اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان (مربیان- مراکز ثابت)	۱۴	آموزش

تعداد داروخانه- مرکز پرتونگاری- مرکز توانبخش- تعداد پزشکان- تعداد پیراپزشکان- فعالیت‌های پیشگیری و درمان در زمینه بیماریهای انگلی دام توسط درمانگاههای دامپزشکی استان(مبارزه با انگل‌های داخلی-مبارزه با انگل خارجی دام سم پاشی شده- مبارزه با انگل خارجی مساحت سم پاشی شده-	۸	بهداشت و درمان
تعداد اماکن مذهبی- گردشگران خارجی استفاده کننده از هتلها- تعداد و گنجایش تماشاچی تأسیسات و مکانهای ورزشی استان (تعداد زمین- تعداد سالن- تعداد استخر- تعداد پیست- تعداد زورخانه)- مربیان و داوران فعال استان برحسب رشتههای ورزشی و جنس (مربیان مرد- مربیان زن- داور مرد داور زن)- ورزشکاران سازمان یافته استان برحسب رشتههای ورزشی و جنس	۱۳	فرهنگ و ورزش و گردشگری
تعداد کشتارگاه- تعداد ایستگاه آتش نشانی- تعداد میادین میوه و تره بار- وسعت میادین میوه و تره بار- تعداد خودرو- پارک (تعداد- وسعت)- گورستان و غسلخانه (تعداد- وسعت)- وسعت فضای سبز شهر- تعداد توالت عمومی- تعداد حمام عمومی	۱۲	عمران شهری
متوسط هزینه‌های ای سالانه یک خانوار شهری و روستایی در استان (متوسط کل هزینه شهری- متوسط درآمد سالانه شهری) - متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری استان برحسب انواع منابع تأمین درآمد (متوسط هزینه روستایی- متوسط درآمد سالانه روستایی)	۴	هزینه و درآمد خانوار
*کل شاخص بها و خدمات مصرفی خانوارها شهری (شاخص کل بها و خدمات شهری- شاخص تغییرات خوراکی و آشامیدنی و دخانیات)- کل شاخص بها و خدمات مصرفی خانوارها روستایی (شاخص کل بها و خدمات روستایی- شاخص روستایی تغییرات خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها دخانیات)	۴	شاخص قیمت
محصول ناخالص داخلی به قیمت بازار و ارزش افزوده در بخش‌های عمده اقتصاد- مصرف واسطه بخش‌های عمده- ستانده بخش‌های عمده اقتصادی	۳	حساب‌های استان

*شاخص‌ها بصورت منفی در معادله ظاهر شده‌اند

"فاصله یک گزینه از ایدآل مثبت (یا از ایدآل منفی) ممکن است بصورت فاصله اقلیدسی (از توان دوم) و یا به صورت مجموع قدر مطلق از فواصل خطی (معروف به فواصل بلوکی) محاسبه گردد، که این امر بستگی به نرخ تبادل و جایگزینی در بین شاخص‌ها دارد" (Asgharpor,2015:260)

در صورت انتخاب بهترین گزینه با توجه به شاخص‌های مربوطه و یا رتبه‌بندی آنها باید مراحل زیر را طی نمود:

مرحله اول: بی‌مقیاس‌سازی و تبدیل ماتریس تصمیم‌گیری بصورت کمی: که جهت بی‌مقیاس‌سازی از فرمول زیر استفاده می‌شود.

$$n_{ij} = \frac{r_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m r_{ij}^2}} \quad (2)$$

مرحله دوم: در این مرحله ماتریس بی‌مقیاس شده (N) را در ماتریس قطری وزن‌ها W ضرب می‌کنیم:

$$V = N \times W_{n \times n} \quad (3)$$

در فرمول فوق N ماتریس بی‌مقیاس شده شاخص‌ها می‌باشد و $W_{n \times n}$ ماتریس قطری می‌باشد که عناصر قطر اصلی آن غیر صفر می‌باشد. مرحله سوم: بهترین راه حل ایدآل مثبت (V_j^+) و ایدآل منفی (V_j^-) را در این مرحله مشخص و انتخاب می‌شود.

که گزینه‌های ایدآل منفی (V_j^-) و مثبت (V_j^+) را اینچنین مشخص می‌شود:

$$A^+ = \{(\max V_{ij} \mid j \in J), (\min V_{ij} \mid j \in J) \mid i = 1, 2, \dots, m\} = \{V_1^+, V_2^+, \dots, V_j^+, \dots, V_n^+\} \quad (4)$$

و

$$A^- = \{(\min V_{ij} \mid j \in J), (\max V_{ij} \mid j \in J), \mid i = 1, 2, \dots, m\} = \{V_1^-, V_2^-, \dots, V_j^-, \dots, V_n^-\} \quad (5)$$

یا بدین معنا که؛ بهترین مقادیر برای شاخص مثبت، بزرگ‌ترین مقادیر و برای شاخص‌های منفی، کوچک‌ترین مقادیر است و "بدترین" برای شاخص‌های مثبت، کوچک‌ترین مقادیر و برای شاخص‌های منفی بزرگترین مقادیر است.

مرحله چهارم: فاصله هر گزینه تا ایدآل مثبت و منفی: در این مرحله باید فاصله اقلیدسی هر گزینه از ایدآل مثبت (d_i^+) و ایدآل منفی (d_i^-) را طبق فرمول‌های زیر بدست آورد:

$$d_i^+ = \sqrt{\sum_{j=1}^n (V_{ij} - V_j^+)^2}, \quad i = 1, 2, \dots, m \quad (6)$$

فاصله گزینه i از گزینه مثبت:

$$d_i^- = \sqrt{\sum_{j=1}^n (V_{ij} - V_j^-)^2}, \quad i = 1, 2, \dots, m \quad (7)$$

فاصله گزینه i ام از گزینه منفی:

قدم پنجم: در این مرحله فاصله و نزدیکی نسبی (CL_i^*) هر یک از گزینه‌ها را نسبت به راه حل ایدال با توجه به فرمول زیر بدست می‌آوریم

$$CL_i^* = \frac{d_i^-}{d_i^- + d_i^+} \quad (8)$$

هر قدر گزینه به راه حل ایده آل نزدیکتر باشد ارزش عددی CL_i^* به عدد یک نزدیکتر است. قدم ششم: مرحله نهایی با توجه به خروجی‌های بدست آمده از مراحل قبل برای هر گزینه، هر گزینه‌ای که دارای CL_i^* بیشتری باشد بهتر است و در اولویت قرار می‌گیرد. که طبق جداول زیر نتایج هر یک از رتبه بندی‌ها مشخص شده است.

جدول ۲ - رتبه بندی استان‌های ایران از منظر تخصیص بودجه از دولت‌های سوم تا یازدهم

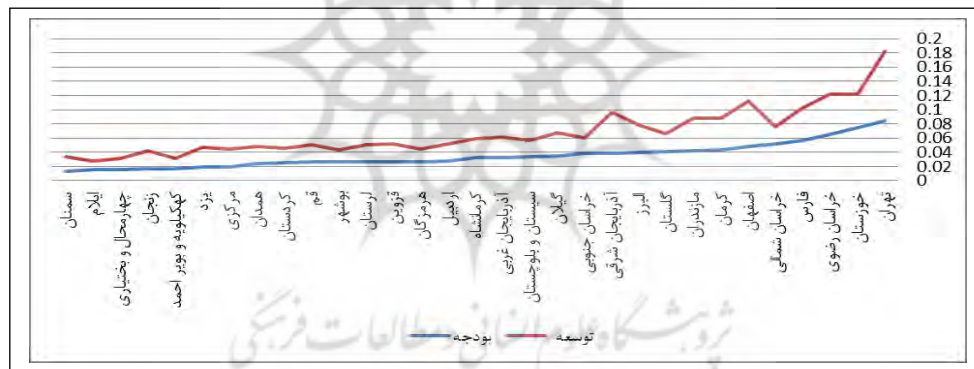
رتبه	استان	بودجه همه د	رتبه	استان	بودجه همه د
1	تهران	4247015.29	17	اردبیل	1395449.2
2	خوزستان	3767092.677	18	هرمزگان	1352333.484
3	خراسان رضوی	3251560.548	19	قزوین	1345390.688
4	فارس	2833059.839	20	لرستان	1334168.903
5	خراسان شمالی	2573560.556	21	بوشهر	1329894.71
6	اصفهان	2415352.097	22	قم	1326355.706
7	کرمان	2197140.355	23	کردستان	1258792.968
8	مازندران	2104705.516	24	همدان	1193254.323
9	گلستان	2069629.813	25	مرکزی	976089.7742
10	البرز	1991959	26	یزد	943529.2903
11	آذربایجان شرقی	1958686.258	27	کهگیلویه و بویر	837092.2903
12	خراسان جنوبی	1957467.111	28	زنجان	827703.5161
13	گیلان	1737152.065	29	چهارمحال و...	788267.9032
14	سیستان و	1683452.645	30	ایلام	782170.4839
15	آذربایجان غربی	1653184.806	31	سمنان	658400.9355
16	کرمانشاه	1634733.903			

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۳- رتبه بندی استان‌های ایران از منظر توسعه منطقه‌ای از دولت‌های سوم تا یازدهم

رتبه	استان	توسعه همه د	رتبه	استان	توسعه همه د
1	تهران	0.753325	17	قزوین	0.1926
2	اصفهان	0.491825	18	خراسان شمالی	0.1903
3	خراسان رضوی	0.44125	19	همدان	0.189225
4	آذربایجان شرقی	0.4408	20	لرستان	0.188988
5	خوزستان	0.36075	21	قم	0.18734
6	فارس	0.358438	22	اردبیل	0.18446
7	مازندران	0.351225	23	سیستان و بلوچستان	0.17965
8	کرمان	0.337513	24	خراسان جنوبی	0.163333
9	البرز	0.2944	25	سمنان	0.158263
10	گیلان	0.252113	26	کردستان	0.156513
11	آذربایجان غربی	0.22405	27	هرمزگان	0.138913
12	یزد	0.2164	28	بوشهر	0.1288
13	کرمانشاه	0.2021	29	چهارمحال و بختیاری	0.120563
14	زنجان	0.198138	30	کهگیلویه و بویر احمد	0.113163
15	گلستان	0.19754	31	ایلام	0.095613
16	مرکزی	0.196763			

منبع: یافته‌های پژوهش



نمودار ۱- رابطه بودجه و توسعه منطقه‌ای از دولت سوم تا یازدهم در ایران

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۴- وضعیت استان‌ها از نظر توسعه یافتگی بر اساس مدل خوشه‌ای

بسیار برخوردار	برخوردار	نسبتاً برخوردار	نسبتاً محروم	محروم	بسیار محروم
$D < 0.05$	$0.05 < D \leq 0.04$	$0.03 < D \leq 0.04$	$0.02 < D \leq 0.03$	$0.01 < D \leq 0.02$	$D \leq 0.01$
تهران	اصفهان خراسان رضوی آذربایجان شرقی	خوزستان فارس مازندران کرمان	ایرلند آذربایجان غربی یزد کرمانشاه	زنجان گلستان مرکزی قزوین خراسان شمالی همدان لرستان قم اردبیل سیستان خراسان جنوبی سمنان کردستان هرمزگان بوشهر ~ ۱۱ ~	ایلام
۳٪	۹/۷٪	۱۳٪	۱۶٪	۵۵٪	۳٪

(مجموع بودجه / بودجه) - (مجموع توسعه / توسعه) = کارایی بودجه در توسعه

منبع: یافته‌های پژوهش

مدل خوشه‌ای توسعه:

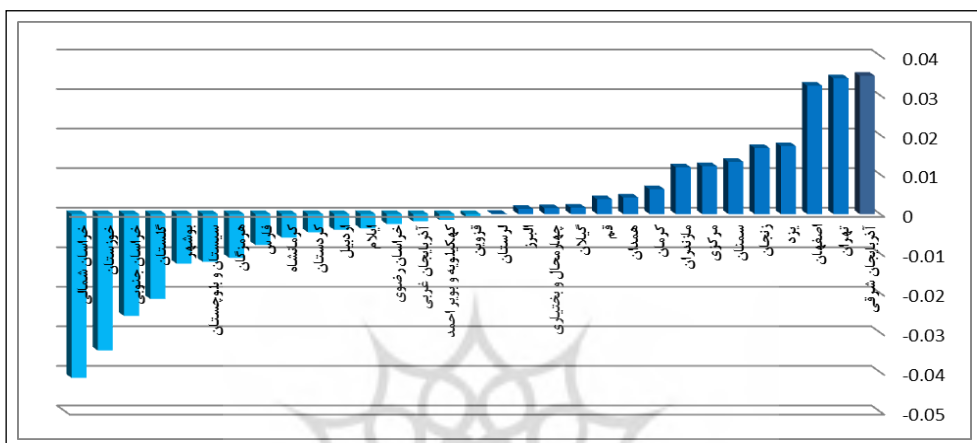
مدل کارایی بودجه در توسعه منطقه‌ای

در شاخص معرفی شده جدید در پژوهش با داشتن شاخص بودجه و توسعه نتایج قابل توجهی منعکس می‌شود. منظور از کارایی بودجه در توسعه، آن است که هر چقدر بودجه استان بیشتر بوده سهم توسعه‌ای آن بیشتر است و با افزایش بودجه، توسعه نیز افزایش خواهد یافت و استانهایی که به تناسب بهره مندی از بودجه، توسعه متناسبی یافته‌اند، از کارایی بودجه‌ای بالاتری برخوردار بوده‌اند و استانهایی که با توجه به بودجه بالاتر نتوانسته‌اند به همان تناسب توسعه پیدا کنند از کارایی پایین بودجه‌ای برخوردار هستند. این موضوع خود جای بحث دارد که علت کارایی پایین تر این استانها چه بوده است و باید ریشه یابی شود که منابع ملی چنین هدر نشود که به نظر می‌رسد عدم مدیریت کارآمد و بالا بودن بودجه جاری نسبت به بودجه عمرانی سایر استان‌ها از عوامل این کارایی پایین باشد.

$$BPID_{it} = \left(\frac{D_{it}}{\sum D_{it}} \right) - \left(\frac{B_{it}}{\sum B_{it}} \right) \quad (9)$$

(BPID): کارایی بودجه در توسعه، $B^2 =$ بودجه، $D^2 =$ توسعه:

هر چقدر مقدار عددی فرمول فوق بیشتر باشد به معنای کارا تر بودن هر واحد بودجه در توسعه قلمداد می‌شود. به طور کلی مناطق طبق " مدل برنامه ریزی توسعه منطقه‌ای " به ۴ گروه تقسیم میشوند که در ادامه بحث خواهد شد.



نمودار ۲- کارایی بودجه در توسعه (نسبی) در دولت‌های سوم تا یازدهم در ایران

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس محاسبات فرمول کارایی بودجه در توسعه و نمودار فوق آذربایجان شرقی و خراسان شمالی از بالاترین و پایین‌ترین سطح کارایی بودجه در توسعه برخوردار بوده‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

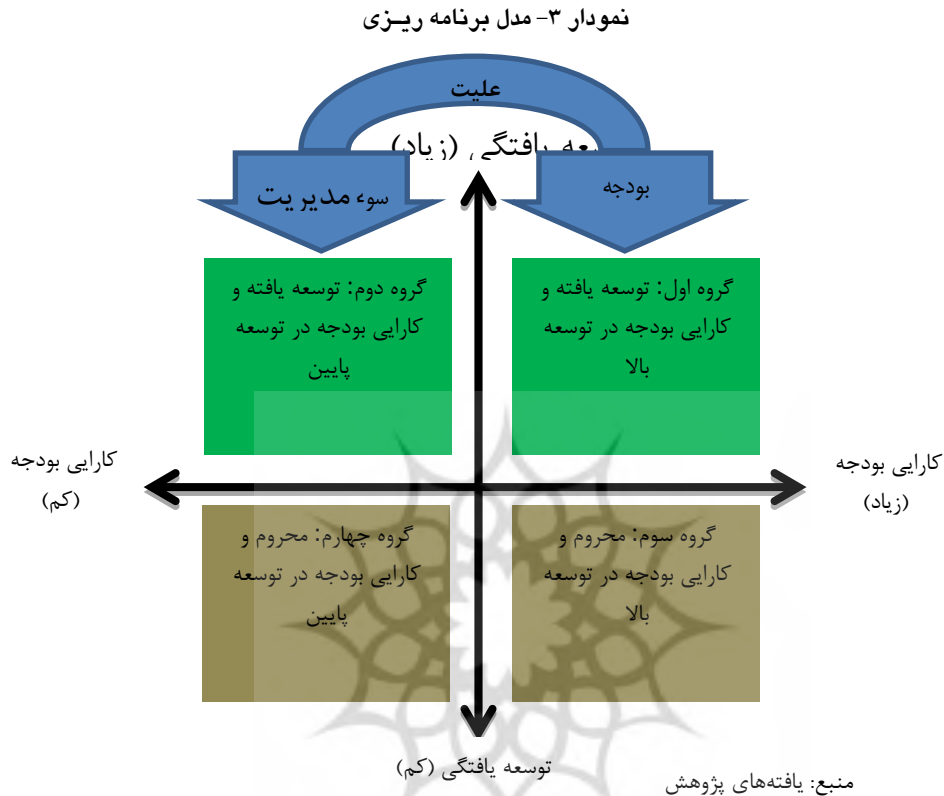
1- Budget Performance in Development

2- Budget

3- Development

مدل برنامه ریزی توسعه منطقه‌ای:

با توجه به مدل کارایی بودجه در توسعه می‌توان در جهت برنامه ریزی توسعه‌ای مناطق، مؤلفه‌های کلیدی هر منطقه را شناسایی کرد و در جهت برنامه ریزی از مدل برنامه ریزی توسعه منطقه‌ای یاری جست. این مدل در دو سطح استانهای توسعه یافته و محروم علیت‌های مختلفی را در چهار گروه بررسی می‌کند.



گروه اول: استان‌هایی که توسعه یافته می‌باشند و از کارایی بودجه‌ای هم برخوردار می‌باشند که عامل اصلی توسعه آنها، مدیریت صحیح منابع بودجه‌ای می‌باشد و از نظر مدیریت منطقه در سطح بالایی قرار دارد. گروه دوم استان‌هایی می‌باشند که علی‌رغم نداشتن کارایی بودجه‌ای، توسعه یافته هستند. در این رابطه می‌توان گفت این استان‌ها هر چند کارایی بودجه‌ای ندارند ولی برخوردار از آنها از رانت قدرت برای جذب بودجه باعث شده است تا به قدری بودجه به آنها

تزریق شود که خود را به توسعه یافتگی برسانند. و در این استان‌ها نقش مدیریت منابع مصرف بودجه‌ای در سطح پایینی قرار دارد. گروه سوم: شامل استانهایی است که محروم می‌باشند ولی از کارایی بودجه‌ای برخوردارند که نشان از تشنگی این استانها برای بودجه بیشتر در جهت توسعه می‌باشد. نقش مدیریت در این استانها در خصوص مصرف منابع بودجه‌ای در سطح بالایی قرار دارد و عامل عدم توسعه آنها صرفاً کمبود بودجه است و نه مدیریت کلان در منطقه. گروه چهارم: این گروه استانهایی را شامل می‌شود که هم محروم‌اند و هم فاقد کارایی بودجه هستند، می‌توان علت اصلی عدم توسعه آنها را در سوءمدیریت منابع فکری و بودجه‌ای آنها در سطح کلان دانست در واقع این استان‌ها تشنه مدیریت کارا هستند.

با عاریه گرفتن شاخص کارایی بودجه در توسعه و مدل برنامه ریزی منطقه‌ای یک رتبه بندی از مدیریت بهینه مصرف منابع بدست می‌آید که استانها تحت تأثیر هر واحد بودجه به چه میزانی توانسته اند آنرا در جهت توسعه منطقه خود بکار گیرند. بر این اساس می‌توان گفت تقریباً ۶۲ درصد استانهای برخوردار (آذربایجان شرقی، تهران، اصفهان، مازندران، کرمان) و تقریباً ۴۳ درصد از استانهای کمتر برخوردار (یزد، زنجان، سمنان، مرکزی، همدان، قم، گیلان، چهارمحال و بختیاری، البرز، لرستان) از کارایی بودجه در توسعه برخوردار می‌باشند. این بدان معنا است که اگر در استان‌های محروم با کارایی بودجه بالا، دولت در تخصیص بودجه دقت بیشتری نماید با توجه به کارایی بودجه‌ای که در توسعه دارند می‌توان شاهد خروج آنها از گروه استانهای کمتر برخوردار بود و می‌توان با یقین بیشتری اظهار داشت که عدم توسعه آنها الزاماً بخاطر عدم مدیریت صحیح منابع (بودجه) نیست و همچنین ۳۸ درصد از استانهای برخوردار (خراسان رضوی، خوزستان، فارس) از سهم بودجه‌ای بسیار بالایی برخوردار هستند که فاقد کارایی بودجه‌ای در توسعه هستند این خود بدان معناست که در این استانها بیشترین هدر رفت بودجه‌ای وجود دارد زیرا با توجه به اینکه بودجه بالایی دارند ولی در آنها کارایی بالا وجود ندارد اما توانسته‌اند توسعه پیدا کنند که این خود نشان از تزریق بودجه نسبی بسیار بیشتر از حد معمول در این استانها می‌باشد که می‌توان در رابطه با این استانها اظهار داشت که علاوه بر داشتن یک رانت جهت جذب بودجه نسبی بالاتر، از عدم مدیریت صحیح بودجه‌ای هم برخوردارند. و در رابطه با حدود ۵۷ درصد از استانهای کم برخوردار فاقد کارایی بودجه در توسعه (خراسان شمالی، خراسان جنوبی، گلستان، بوشهر، سیستان و بلوچستان، هرمزگان، کرمانشاه، کردستان، اردبیل، ایلام،

آذربایجان غربی، کهگیلویه و بویر احمد، قزوین) می‌توان مدعی شد که عدم مدیریت صحیح بودجه منجر به عدم توسعه آنها شده است و الزاماً کمبود بودجه عامل اصلی در توسعه نیافتگی آنها نمی‌باشد. برای خروج این استان‌ها از توسعه نیافتگی دولت باید در چیدمان مدیران اجرایی استانها دقت بیشتری مبذول دارد و نتایج مخارج بودجه‌ای را بصورت جدی‌تری در این استانها پیگیری باشد. لذا بر این اساس دولت‌ها باید مؤلفه‌های استراتژیک توسعه‌ای مناطق را شناسایی کنند و در جهت توسعه مناطق این مؤلفه‌های استراتژیک را تقویت کنند.

مدل دوم (پنل دیتا)

در این قسمت با استفاده از داده‌های تلفیقی برای ۸ دوره مدل‌های رگرسیونی را تخمین خواهیم زد. داده‌های تلفیقی مباحث بیشتر، تنوع یا تغییرپذیری بیشتر، همخطی کمتر بین متغیرها، درجات آزادی و کارایی بیشتر را فراهم می‌کند و در کل داده‌های ترکیبی اطلاعات بیشتری را به دست می‌دهند زیرا هم تغییرات زمان و هم مقاطع را با هم نشان می‌دهد (Sori, 2015:1109 & Moradi 2013:21).

مدل زیر مدلی است که برای داده‌های ترکیبی مورد استفاده است. برآورد روابطی که در آنها از داده‌های ترکیبی (سری زمانی، مقطعی) استفاده می‌شود، غالباً با پیچیدگی‌هایی مواجه است. در حالت کلی، مدل زیر نشان دهنده یک مدل با داده‌های ترکیبی است

$$Y_{it} = \beta_{1it} + \sum_{k=2}^k \beta_{kit} x_{kit+e_{it}} \quad (10)$$

که در آن $i=1,2,3,..,n$ نشان دهنده واحدهای مقطعی (مثلاً استانها) است و $t=1,2,3,..,n$ بر به زمان اشاره دارد. Y_{it} متغیر وابسته را برای i امین واحد مقطعی در سال t و x_{kit} نیز k امین متغیر مستقل غیر تصادفی برای i امین واحد مقطعی در سال t است.

در ادامه جهت تخمین مدل، سوالی که پیش می‌آید، آیا در مدل مورد نظر برای مقاطع مختلف هم شیبها و هم عرض از مبدأها متفاوت است. این سؤال را می‌توان با فرضیه زیر مطرح نمود:

$$\begin{aligned} H_0 : \alpha_i = \alpha, \beta_i = \beta \\ H_1 : \text{Not } H_0 \end{aligned} \quad (11)$$

فرضیه مذکور را می‌توان به عنوان یک مجموعه قیود خطی روی ضرایب در نظر گرفت و

برای آزمون آن که به chow test معروف است از آماره F به صورت رابطه (۳-۱۳) استفاده نمود:

$$F_{obs} = \frac{(\bar{e}'\bar{e} - e_1'e_1 - e_2'e_2 - \dots - e_N'e_N)/(N-1)k'}{(e_1'e_1 + e_2'e_2 + \dots + e_N'e_N)/N(T-K')} \quad (12)$$

$\bar{e}'\bar{e}$: مجذور پسماندهای حاصل از برازش رگرسیون مقید $y_{it} = \alpha + \beta x_{it} + e_{it}$ است.

$e_i'e_i$: مجذور پسماندهای حاصل از برازش رگرسیون نامقید هر یک از معادلات

$y_{it} = \alpha_i + \beta x_{it} + e_{it}$ با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی می‌باشد.

در صورتیکه فرض H_0 پذیرفته نشود، دلیلی بر یکسان فرض نمودن شیب‌ها و عرض از مبدأ

واحدهای مختلف مقطعی وجود ندارد.

آزمون دیگری مطرح است که با فرض متفاوت بودن عرض از مبدأ مقاطع فرضیه زیر را مطرح

نمود.

$$H_0: \beta_i = \beta$$

$$H_1: \text{Not } H_0$$

(۱۳)

که این فرضیه به صورت یک مجموعه قیود خطی فقط روی ضرایب متغیرهای توضیحی

(شیب‌ها) در نظر گرفته می‌شود که برای آزمون فرضیه مذکور از آماره F به صورت ذیل استفاده

می‌شود.

$$F_{obs} = \frac{(\bar{e}'\bar{e} - e_1'e_1 - e_2'e_2 - \dots - e_N'e_N)/(N-1)k'}{(e_1'e_1 + e_2'e_2 + \dots + e_N'e_N)/N(T-K)} \quad (14)$$

$\bar{e}'\bar{e}$: مجذور پسماندهای حاصل از برازش رگرسیون مقید $y_{it} = \alpha + \beta x_{it} + e_{it}$ است.

$e_n'e_n$: مجذور پسماندهای حاصل از برازش رگرسیون نامقید هر یک از معادلات

$y_{it} = \alpha_i + \beta x_{it} + e_{it}$ با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) می‌باشد.

آماره هاسمن

آماره این آزمون که برای تشخیص ثابت یا تصادفی بودن تفاوت‌های واحدهای مقطعی به

صورت زیر محاسبه می‌شود که دارای توزیع کای-دو با درجه آزادی برابر با تعداد متغیرهای

مستقل (K) است.

$$W = X^2(k) = [b - \hat{\beta}] \sum^{-1} [b - \hat{\beta}] \quad (15)$$

$$\text{Var}[b - \hat{\beta}] = \text{Var}[b] - \text{Var}[\hat{\beta}] = \Sigma \quad (16)$$

که

فرضیه صفر بودن آزمون هاسمن، برابری برآورد کننده هر دو روش حداقل مربعات تعمیم یافته و متغیر مجازی است یعنی داریم:

$$\begin{aligned} H_0 : \hat{\beta} &= b \\ H_1 : \hat{\beta} &\neq b \end{aligned} \quad (17)$$

چنانچه آماره آزمون محاسبه شده بزرگتر از χ^2_k جدول باشد فرضیه H_0 رد می‌شود پس برابری برآوردهای این روش رد و توصیه می‌شود که از روش تصادفی برای دریافت در واحدهای مقطعی استفاده شود.

در این مبحث هدف آن است در سه مدل رگرسیونی مستقل بطور جداگانه اثر هر یک از متغیرهای، بودجه کل، بودجه عمرانی، بودجه جاری یا حجم دولت، به عنوان متغیرهای مستقل را بر روی متغیر وابسته توسعه بدست آورد. بطور کلی خواهیم داشت:

معادله اول: معادله بودجه کل و توسعه

معادله دوم: معادله بودجه عمرانی و توسعه

معادله سوم: معادله حجم دولت و توسعه

$$Y_{it} = \alpha_0 + \beta X_{it} + U_t \quad (18)$$

$$D_{it} = \alpha + \beta_1 \log B_{it} \quad (19)$$

$$D_{it} = \alpha + \beta_1 DB_{it} \quad (20)$$

$$D_{it} = \alpha + \beta_1 CB_{it} \quad (21)$$

CB (Current budget): بودجه جاری (حجم دولت) و B: بودجه و DB (Development

budget): بودجه عمرانی

حجم دولت از تقسیم بودجه جاری بر بودجه کل برای هر استان بدست آمده است و همچنین بودجه عمرانی از تقسیم بودجه عمرانی بر بودجه کل بدست آمده است و هر دو متغیر بصورت نسبی محاسبه شده‌اند.

برای هر سه مدل فوق که برای هشت دولت (سوم تا یازدهم) برآورد می‌شود طبق جدول زیر

پس از آزمون چاو جهت pool یا panel بودم مدل‌ها نتیجه گرفته می‌شود که مدل پنل در مقابل پول در سطح خطای ۱٪ مورد پذیرش قرار می‌گیرد و بر اساس تست هاسمن جهت تشخیص اثرات تصادفی و ثابت، اثرات ثابت برای هر سه مدل در سطح خطای یک درصد تأیید شد.

جدول ۵- نتایج آزمون چاو بر اساس آماره اف لیمر

Prob.	d.f.	Statistic	
۰,۰۰۰۰	۱۸۶,۳۰	۳۷,۰۶۸۱۲۰	معادله اول
۰,۰۰۰۰	۱۸۶,۳۰	۳۲,۶۲۰۴۰۵	معادله دوم
۰,۰۰۰۰	۱۸۶,۳۰	۳۳,۴۰۹۹۹۷	معادله سوم

جدول ۶- نتایج آزمون هاسمن

Prob.	Chi-Sq. d.f.	Chi-Sq. Statistic	
۰,۰۰۹۷	۱	۶,۶۸۲۴۵۴	معادله اول
۰,۰۰۰۰	۱	۲۱,۲۰۳۳۰۰	معادله دوم
۰,۰۰۰۰	۱	۲۱,۱۱۸۹۵۷	معادله سوم

در زیر تخمین و خروجی هر یک از مدل‌ها را طبق نرم افزار ایویوز ۸ بدست آمده است:
معادله اول: معادله بودجه کل و توسعه

$$D_{it} = \alpha + \beta_1 \log B_{it} \quad (22)$$

$$D_{it} = ۰,۰۳۱۲۴۲ + ۰,۰۱۶۹۰۹ \log B_{it}$$

$$(۱,۰۵۰۲۱) (۷,۵۳۸۰۶)$$

جدول ۷- نتایج مدل: تأثیر بودجه کل بر توسعه

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آزمون تی	معناداری
عرض از مبدأ	۰,۰۳۱۲۴۲	۰,۰۲۹۷۴۹	۱,۰۵۰۲۱	۰,۲۹۵۰
لگاریتم بودجه	۰,۰۱۶۹۰۹	۰,۰۰۲۲۴۳	۷,۵۳۸۰۶	۰,۰۰۰۰

طبق جدول ۲۱ تأثیر گذاری بودجه بر توسعه در سطح خطای ۱٪ معنادار می‌باشد و می‌توان اظهار داشت به ازای یک درصد افزایش در بودجه توسعه یک درصد افزایش پیدا خواهد کرد.

معادله دوم: معادله بودجه عمرانی و توسعه

$$D_{it} = \alpha + \beta_1 DB_{it} \quad (23)$$

$$D_{it} = 0,215959 + 0,106876 DB_{it}$$

$$(17,8084) \quad (3,32227)$$

جدول ۸ - نتایج مدل: تأثیر بودجه عمرانی بر توسعه

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آزمون تی	معناداری
عرض از مبدأ	۰,۲۱۵۹۵۹	۰,۰۱۲۱۲۷	۱۷,۸۰۸۴	۰,۰۰۰۰
بودجه عمرانی	۰,۱۰۶۸۷۶	۰,۰۳۲۱۴۲	۳,۳۲۲۲۷	۰,۰۰۱۱

بر اساس جدول ۲۲ متغیر بودجه عمرانی در سطح خطای ۱٪ معنادار می‌باشد و با افزایش یک درصد بودجه عمرانی توسعه منطقه‌ای ده درصد افزایش خواهد یافت.

معادله سوم: معادله حجم دولت و توسعه

$$D_{it} = \alpha + \beta_1 CB_{it} \quad (24)$$

$$D_{it} = 0,332629 - 0,121493 CB_{it}$$

$$(15,4176) \quad (-3,74801)$$

جدول ۹ - نتایج مدل: تأثیر بودجه جاری بر توسعه

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آزمون تی	معناداری
عرض از مبدأ	۰,۳۳۲۶۲۹	۰,۰۲۱۵۷۵	۱۵,۴۱۷۶	۰,۰۰۰۰
حجم دولت	۰,۱۲۱۴۹۳	۰,۳۲۴۱۵	-۳,۷۴۸۰۱	۰,۰۰۰۲

خروجی‌های جدول ۲۳ برای رابطه حجم دولت (بودجه جاری) و توسعه حاکی از معناداری متغیر مستقل در سطح خطای ۱٪ می‌باشد و همچنین با افزایش یک درصد در حجم دولت توسعه ۱۲ درصد کاهش پیدا می‌کند.

بحث و نتیجه گیری:

مقاله حاضر در صدد برآوردی از تفاوت توسعه‌ای مناطق کشور در دولت سوم تا یازدهم بوده که در دو قسمت جداگانه نگارش شده است: در قسمت اول سطح توسعه یافتگی استان‌ها بدست آمده است، در این راستا پس از استخراج داده‌ها از سالنامه آماری مرکز آمار و تشکیل شاخص‌های ۲۱ گانه با ۱۵۱ زیر شاخص توسعه، عدم توازن منطقه‌ای بدست آمد که خروجی نرم افزار از مدل تاپسیس نشان دهنده آن بود که استان تهران و ایلام به ترتیب توسعه یافته ترین و کم برخوردارترین استانهای کشور بوده‌اند و همچنین در همین بخش، برآوردی از میانگین تخصیص بودجه استانی در دوره زمانی پژوهش انجام گرفت که از این حیث استان تهران در صدر و استان سمنان در انتهای جدول قرار گرفتند. همچنین در بحث توسعه منطقه‌ای با تشکیل مدل خوشه‌ای در ۶ خوشه، استان‌ها با هم قیاس شدند که در خوشه اول: بسیار برخوردار، تنها ۱ استان جای گرفت (استان تهران) و در خوشه‌های بعدی؛ برخوردار (۳ استان)، نسبتاً برخوردار (۴)، نسبتاً محروم (۵)، محروم (۱۷) و در خوشه ششم، بسیار محروم باز تنها ۱ استان (ایلام) قرار گرفت. لذا بر این اساس می‌توان گفت تقریباً ۷۴ درصد استان‌های کشور در نیمه دوم به پایین خوشه‌ها یعنی جزو استان‌های محروم و ۲۶ درصد استان‌ها هم در زمره استانهای برخوردار قرار گرفتند که البته بصورت نسبی تنها تهران بسیار برخوردار و ایلام بسیار محروم بوده است.

در قسمت دوم پژوهش، با عنایت به شاخص توسعه‌ای که برای استانها استخراج شد ۳ متغیر دیگر "بودجه کل"، "بودجه عمرانی" و "حجم دولت (بودجه جاری)" معرفی و در طی ۳ مدل رگرسیونی مستقل اثر هر کدام بر توسعه سنجیده شد که در این میان بودجه عمرانی نسبت به بودجه کل از تأثیر گذاری مثبت بالاتری بر توسعه برخوردار بود و در مقابل حجم دولت تأثیر منفی و معکوس بر توسعه داشت؛ به عبارت دیگر با افزایش هزینه‌های جاری، توسعه رو به کاهش رفت لذا می‌توان اظهار داشت در ایران هر چه قدر بتوان از هزینه‌های جاری و حجم دولت کاست، می‌توان شاهد ارتقاء شاخص‌های توسعه بود. نکته قابل توجه دیگر در این پژوهش تأثیر گذاری ۱۰ برابری و مثبت بودجه عمرانی نسبت به بودجه کل و تأثیر گذاری ۱۲ برابری منفی و معکوس افزایش حجم دولت در مقابل بودجه کل بر توسعه می‌باشد.

بر اساس شاخص جدید "کارایی بودجه در توسعه" و با توجه به سهم نسبی بودجه، به این

نتیجه رسیدیم که برای هر استان و متناسب با بودجه دریافتی آن باید توسعه‌ای متنظر با آن رقم بخورد که بر این اساس استانهای کشور نیز رتبه بندی شدند که از این حیث استان آذربایجان شرقی و خراسان شمالی به ترتیب در جایگاه اول و آخر قرار گرفتند. "مدل برنامه ریزی توسعه منطقه‌ای" شاخص جدید دیگر این پژوهش بود که بر اساس آن استان‌ها را به دو گروه عمده استانهای توسعه یافته و محروم تقسیم نمودیم که در هر گروه و بر اساس دو شاخص "بودجه" و "سوءمدیریت" به عنوان عوامل کلیدی در فهم موفقیت یا عدم موفقیت‌های توسعه‌ای استانها به این نتیجه رسیدیم که بین این دو و توسعه استان‌ها رابطه‌ای معنادار وجود دارد. طبعاً در این راستا و برای جذب بیشتر بودجه، رانت قدرت حامل تأثیرگذاری بالایی خواهد بود.

در نهایت و بر اساس چهار گروه شکل گرفته در پژوهش حاضر می‌توان بر اساس قرار گرفتن هر استان در گروه‌های ۴ گانه و در راستای تقویت شاخص‌های توسعه و مقابله با چالش و موانع توسعه در این استان‌ها، به سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر دانش اقدام نمود یکی دیگر از نکات قابل توجه در این پژوهش این است که نمی‌توان الزاماً برای همه مناطق عامل بودجه را به عنوان عامل پیش برنده در توسعه قلمداد کرد. این موضوع خود منجر به هدر رفت منابع بودجه‌ای در بعضی از استانها که اشباع بودجه‌ای دارند خواهد شد. در واقع "بودجه" و "مدیریت کارآمد" عوامل همزج موفقیت توسعه‌ای می‌باشند که در این میان می‌توان برای مدیریت کارآمد وزن بیشتری در نظر گرفت به طوری که برخی از استان‌ها علی‌رغم این که به لحاظ بودجه اشباع شده‌اند اما به واسطه ضعف در مدیریت فکری و اجرایی در هزینه کرد منابع بودجه‌ای در زمره استان‌های توسعه یافته قرار نمی‌گیرند. از طرف دیگر استانهای محرومی قرار دارند که از یک طرف از کارایی بودجه بالایی برخوردار هستند که نشان دهند مدیریت کارآمد در این استان‌ها است و از سوی دیگر در زمره استان‌های توسعه نیافته‌اند که بر اساس نتایج این تحقیق می‌توان گفت علت عدم توسعه یافتگی این استانها در کمبود بودجه مکفی برای توسعه است (نه سوء مدیریت) لذا می‌توان این استانها را تشنه بودجه برای توسعه نامید و بالاخره گروه چهارم باز استانهای محرومی را در بر می‌گیرد که کارایی بودجه پایین و منفی آنها حامل این پیام است که عدم توسعه یافتگی آنها ریشه در سوء مدیریت آنها دارد. هر چند که با یقین نمی‌توان در مورد اشباع بودن بودجه آنها صحبت کرد ولی بی‌شک در مرحله اول باید عامل توسعه نیافتگی آنها که همان سوء مدیریت است را فهم کرد و سپس در راستای اصلاح مدیریت آن قدم برداشت.

References

- [1] Azadi. (2018). Political Economy: The Rate of Political Influence on Regional Development in Iran ", Ph.D. Thesis. Razi University of Kermanshah, Faculty of Social Sciences. (in Persian)
- [2] A.azadi, s.delangizan, a.falahati (2019) . The Political Influence Coefficient of the Provinces in the Tenth State in Iran. Iranian economic review, Vol. 23, No. 2, 2019. pp. 399-415.
- [3] A. Eskandari, S. Hosseini. (2010). Provincial ranking in terms of economic and social indicators. Planning and Budget Magazine. No. 49 and 50(in Persian).
- A. Souri. (2015). Advanced econometrics with application of Stata 12 and Ioviz 8. Volume II. Farhangshenasi Publications. (in Persian).
- [4] Moaradi. (2013). Application of Ioviz 8 in econometrics. Jahad Daneshgahi Publications. Tehran Branch. (in Persian).
- [5] Mossalanejad. (2015). Political Economy; Principles, Functions and Processes. First Edition. Tehran University Press. (in Persian).
- [6] Zarabi, M. Izadi. (2013). An Analysis of the Regional Development of the Provinces of the Country. Sceintific Journal of Spatial Planning. Third Year. No. 1. (in Persian).
- [7] Conteras, R(2004), " How The Concept of Development Got Started", Boston: University of Law Center For International Finance Development E-Book.
- [8] G.Hafiznia. (2002). An Introduction to the Research Method in the Humanities. 7th Edition. Samt Publications. (in Persian).
- [9] H. Mirshojaeeianhosseini, F. Rahbar. (2012). Quantitative Analysis of the Political Economy Pattern of the Provincial Budget Allocation in Iran. Economic Research Papers, 9th Edition. No.17. PP. 107-138. (in Persian).
- [10] Ebrahimzadeh, M. Eskandarisani. (2010). Application of factor analysis in explaining the spatial pattern of urban and regional development in Iran. Journal of Geography and Development, No. 17, pp. 7-28. (in Persian).
- [11] John R.logan & Harvey L.Molotch(1990). " urban fortunes, the political economy of place" university of california press, berkeley los angeles London.
- [12] Tavakolinia, (2012). Regional Inequalities in Iran. Journal of Environment, No. 18. (in Persian).
- [13] Farajirad, G. Kazemian, R. Eftekhari. (2013). Pathology of Regional Development Policies in Iran from the Perspective of Institutional Approach, Management and Development Process. Volume 26, Issue 2(in Persian).
- [14] Kalantari. (2013). Regional Planning and Development (Theories and Techniques). Khoshbin Publications. First Edition. (in Persian).
- [15] K. Ziari, S. Ranjbarchi, K. Sharkhkamal. (2010). Reviewing and ranking the

- developmental level of cities in Khorasan Razavi using Topsis Technique. Human Geography Research, No. 72, pp. 17-30(in Persian).
- [16] Lees, N, 2010, Inequality as an Obstacle to World Political Community and Global Social Justice, Oxford University, Paper to be Presented at the SGIR 7th Annual Conference on International Relations, Sweden, September 9-11th 2010.
- [17] Albero. (2011). Global Age: Sociology of the phenomenon of globalization. Translated by N. Salarzadeh Amiri. Azadandishan Publications. Tehran(in Persian).
- [18] Asgharpour. (2015). Multi-criteria decisions. Tehran University Publications, Fourteenth Edition(in Persian).
- [19] M. Rafeeian, M. Shali. (2012). Spatial analysis of Tehran's developmental level by segments of urban areas, Planning and Space Design. 4. (in Persian).
- [20] M. Sabaghkermani. (2013). Regional economics (theory and models). Yaran Publications. (in Persian).
- [21] M. Masoud. (2007). Economic liberty and social justice in the collection of economics and social justice. Ney Publications. pp. 81-106. (in Persian).
- [22] Noorbakhsh F. (2003) Human Development and Regional Disparities in India [Online].; Available from: URL https://dspace.gla.ac.uk/bitstream/1905/339/1/2003_12%5B1%5D.pdf/.
- [23] Pike, A., Rodriguez-Pose, A., & Tomaney, J. (2006). Local and regional development. London: Rutledge. pp. 3-122.
- [24] Rawls, John. 1971. A theory of Justice. Cambridge, Mass: Harvard university press.
- [25] Resende, Guilherme Mendes (2012) **Essays on spatial scope of regional economic development in Brazil**. PhD thesis, The London School of Economics and Political Science (LSE).
- [26] Soares JO, Lourenco Marques MM, Ferreira Monteiro CM. A multivariate methodology to uncover regional disparities: A contribution to improve European Union and governmental decisions. European Journal of Operational Research 2003; 145(1): 121-35.
- [27] Sarrafi, Mozaffar. (2000). Basis of Regional Development, Management and planning Organization, Iran (in Persian).
- [28] Stohr, w. (1975).Regional Development; Experiences and Prospects in Latin America, the hage, Mtuton.
- [29] Todes. H. 2001. A the use of spatial framework in reginal development in South Africa, Regional studies, vol 35.
- [30] T. Parizadi, H. Mirzadeh. (2018). Regional Development in Iran with Distributed Justice Approach. Journal of Geographic Sciences Research. No. 50, pp. 179-198(in Persian).
- [31] World Trade Organization, (2008), " International Trade Statistics 2008",

Geneva: WTO.

- [32] Wang, X. and Triantaphyllou, E., (2008), Ranking irregularities when evaluating alternatives by using some ELECTRE methods, Omega, No.36, pp. 45 – 63.
- [33] Wilkinson R, Kater P.2006, Income Inequality and population health: A review and explanation of the evidence. Social Science & Medicine, 62, pp 1768-1784.

